

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگوزلو

۲۶ نومبر ۲۰۲۳



داکتر محمد قراگوزلو

کبر کثیف کوه Error 404

۱. دوران پیشا پاسگاه غرب در فلسطین اشغالی

درآمد

عمق جنایات هولناک نماینده مستقیم امپریالیسم امریکا در منطقه خاورمیانه به جایی رسیده است که هر انسانی که اندکی از مباحث مرتبط با پدیده State-Nation مطلع باشد از کاربست لفظ "دولت یا کشور اسرائیل" تن می زند. کراهت چندی از چنین عنوان نجسبی "هنوز صفتی ابتر است" که نمی تواند یکی از ابعاد نسل کشی این زامبی ها را توصیف کند. در نتیجه نویسنده ترجیح می دهد به جای نام این کشور قلابی و تصنعی که "دولت" جانی اش هیچ ملتی را نمایندگی نمی کند و ساکنانش کمترین شباهتی به ملت ندارند از اصطلاح Error 404 استفاده کند. شک ندارم – و این ادعا را از روی باورهای ایدئولوژیک و سیاسی خاص نمی گویم – که در آینده ای ممکن و در شرایطی واقعی و نه اتوپیک این وصله ناجور و به عبارت صحیح پاسگاه سرمایه داری غرب در منطقه فرو خواهد پاشید. کسانی ممکن است این نظر نویسنده را آرزو یا آرمان یا تخیل یا هر چیز دیگری تعبیر کنند و به آن نیشخند بزنند. مهم نیست. در صورتی که سلسله مباحث کوتاه و فشرده من در این مجموعه برای خوانندگان جدی و سیاسی اردوگاه انسان برابری طلب و آزادیخواه مجاب کننده باشد تمام آن خنده ها باد هوا خواهد بود.

۱. جنگ جهانی اول و شیوه تقسیم جهان!

از مجموعه مباحث رهبر بی بدیل انقلاب اکتوبر درباره "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" که بگذریم و بخشی از ناترازمندهای نیازمند اصلاح آن را که نادیده بگیریم واقعیت این است که هر دو جنگ جهانی نه فقط

برای حل – بهتر است بگوئیم انتقال – بحران ساختاری سرمایه داری صورت گرفته بلکه در جریان این انتقال دست کم دو واقعه مهم نیز به وقوع پیوسته است:

الف. تجدید آرایش طبقاتی بورژوازی جهانی.

ب. تقسیم جهان و ساخت و ساز مرزهای جدید و "کشورها" و "تولید ملت ها".

در بخش نخست این مجموعه به سرخط وقایع اتفاقیه حیاتی جنگ جهانی اول اشارتی می کنیم.

بی تردید مهم ترین سرفصل این جنگ پیروزی باشکوه بلشویک ها و طلوع خورشید سوسیالیسم از جناح ضعیف ترین حلقه سرمایه داری بود. با وجود شکست انقلاب المان و علی رغم تعرض ۱۴ دولت امپریالیستی و جنگ های داخلی و قحطی و محدودیت های بی شمار علیه بلشویک ها، انقلاب اکتوبر نظم و نظام جهانی بورژوازی را از بیخ تغییر داد. انقلاب آرایش طبقاتی دو اردوی همیشه متخاصم کار – سرمایه را به شکل و ماهیت جدیدی عوض کرد. با انقلاب اکتوبر درهای کور و بسته توحش چند هزار ساله نظام طبقاتی شکست و تاریخ نو با انسان نو زاده شد. انقلاب به همان تزی عینیت بخشید که هدف اصلی مبارزه طبقاتی را عبور از تفسیر به تغییر دانسته بود. انقلاب سرزمین شوراها در کوتاه ترین زمان ممکن به عالی ترین دستاوردهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مجال رشد و شکوفائی داد. انقلاب کل مرزهای سبک زندگی و معماری و موسیقی و شعر و داستان و حقوق زنان و کودکان و رفاه و کار و ... را به نحو شگفت انگیزی جا به جا کرد. تأمین رایگان مسکن و بهداشت و درمان و کار و حمل و نقل و لغو حق ارث و الغای بیسودی از آسمان رویاها به زمین آمد. انقلاب بورژوازی غرب را که از ترس وقوع انقلابی مشابه لرزیده بود و ادار به عقب نشینی تا مرزهای دولت رفاه و سوسیال دموکراسی کرد. با این همه و خلاف خزعبلات تکراری پوتین علیه بلشویک ها، اگرچه با هوشمندی لنین و بلشویک ها جنگ تبدیل به صلح شد اما انقلاب اکتوبر زائیده جنگ اول نبود. تمام تحلیل هائی که انقلاب بلشویکی را برآیند جنگ اول می دانند – از تاریخ خواندنی ای.اچ.کار تا تحلیل مهمل آلن بدیو- به بیراهه می روند. انقلاب اکتوبر مهم ترین برگ تمام تاریخ در تجدید آرایش مناسبت سیاسی و اقتصادی قدرت ها و دولت ها و البته ملت ها بود. داستان اما به اینجا ختم نمی شود.

واقعیت قطعی این است که انقلاب اکتوبر تمام توافق نامه ها و تعهدات و قراردادهای ناشی از تعرض سیاسی نظامی و استعماری دولت های تزاری را به دستور رهبری انقلاب رسماً ملغا اعلام کرد. ملت و تمام دولت های ایران از این منظر برای همیشه مرهون سیاست به غایت انسان دوستانه و سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی خواهند بود.

در شرایطی که بلشویک ها با انواع و اقسام حشرات صادراتی دولت های امپریالیستی در جنگ بودند و برای پیروزی و دفاع از انقلاب خود تا آخرین قطره خون می جنگیدند در سوی دیگری از جهان پساجنگ اتفاق دیگری در جریان بود. این اتفاق شوم که ما آن را به عنوان تبعات جنگ اول در حوزه تقسیم جهان تعریف کردیم قرارداد مشهور به "سایکس-پیکو" بود. اجازه دهید کمی تأمل کنیم. دوستان می دانند که از بدو شکل بندی جریان ها و گرایش ها و سازمان ها و دولت های مبتنی بر اسلام سیاسی این موضوع یکی از محورهای اصلی پژوهش نگارنده بوده است. من برای ارزیابی این مسأله حیاتی که به سرنوشت مردم ما و منطقه و حتا جهان پیوند خورده است علاوه بر سفرهای پر مخاطره متحمل خسارات جانی زیادی هم شده ام. از این مسأله که بگذریم نتیجه این فعالیت ها سه مجلد کتاب مستند درباره نحوه پیدایش اسلام سیاسی بوده است. که ظرف ۲۵ سال گذشته با مکافات فراوان و تحمل مشقات شاق نوشته و منتشر شده است.^۱ باری مجلد چهارم این سلسله کتاب ها که تلفیقی از داستان های واقعی و وقایع مستند است سال جاری تکمیل شد. عنوان این کتاب "فاشیسم مقدس" است و به اعتبار دقیق ترین منابع و مشاهدات عینی به ظهور و رشد و گسترش آخرین و هارترین سازمان اسلام سیاسی یعنی داعش در عراق و سوریه می پردازد. مشغول تحقیق پیرامون واقعیات سقوط

موصل بودم که متن کامل سخنرانی ابوبکر بغدادی در مسجد جامع النوری (نورالدین) شهر موصل به دستم رسید. این سخنرانی تحت عنوان "خطبه های نماز جمعه" در اواسط تیرماه-سرطان- ۱۳۹۴ انجام شده است. "خوشبختانه به اهتمام و تلاش خستگی ناپذیر وزارت ارشاد جناب رئیسی - اسماعیلی" کتاب من بعد از کلی ان قلت گرفتن و ادا و اطوار در آوردن به دستور کارشناسان "خیلی نخبه" و "بسیار فاضل" مشهور به "ارزیاب" و "بررس"^۲ کتاب - که بسیار زیاد "ضد داعش" تشریف دارند- پس از کلی رفت و برگشت در نهایت "معلق" شد و به کمای "تعلیق" رفت. خدا قوت دلاوران! به هر حال جناب بغدادی در بخشی از این خطبه به قرارداد استعماری "سایکس-پیکو" اشاره می کند و با صراحت می گوید "من به عنوان خلیفه مسلمانان این قرارداد را باطل اعلام می کنم و مرزهای ترسیم شده در آن را می شکم و رسماً تشکیل دولت (امارت) اسلامی عراق و شام (داعش) را به اطلاع مسلمانان می رسانم...".

بغدادی به صراحت و با تأکید اضافه می کند «مأموریت اصلی داعش در هم شکستن مرزهای ناشی از قرارداد سایکس - پیکو است و در آینده نزدیک پیروزی های داعش به پیوستن کشورهای سوریه و عراق و اردن و لبنان و عربستان و فلسطین به یک کشور واحد تحت عنوان "خلافت اسلامی" تحت زعامت وی منجر خواهد شد.»

چرا این نکته مهم است و چه ربطی به بحث جاری ما (تشکیل پاسگاه Error 404 دارد؟) ابتداء به خود قرارداد به نقل از کتاب "معلق" و "ضاله" «فاشیسم مقدس» می پردازیم:

قرارداد امپریالیستی سایکس - پیکو (Sykes-Picots) یا موافقت نامه "آسیای صغیر" در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۱۶ میان دو قدرت برتر وقت (از طرف انگلستان؛ سر مارک سایکس و از سوی فرانسه؛ فرانسوا ژرژ پیکو) در هشت ماده به تصویب رسید. مذاکرات اولیه این توافق نامه بین ۲۳ نومبر ۱۹۱۵ تا ۳ جنوری ۱۹۱۶ پیش از شکست امپراتوری عثمانی انجام گرفت. به موجب این قرارداد بخش های وسیعی از سرزمین های تحت سیطره حکومت عثمانی به دولت های مستعمره نشین تقسیم و تجزیه شد. منطقه الف شام به سه قسمت "الزرقا" یا عراق به تابعیت انگلیس در آمد و منطقه ب یا "الحمرا" - که امروز سوریه خوانده می شود - تحت استعمار حاکمیت فرانسه قرار گرفت. در عین حال منطقه ج یا "السمرا" همان فلسطین کنونی است که در چهارچوب قرارداد فوق به عنوان تابع حاکمیت بین المللی شناخته شد تا روزی روزگاری بسترهای اشغال آن از سوی صهیونیست ها فراهم شود. متن کامل این قرارداد امپریالیستی زمانی افشاء شد که بلشویک ها در ۱۹۱۷ به قدرت رسیدند. افشای این توافق نامه به خشم مردم منطقه و فشارهای بین المللی به منظور لغو آن انجامید. اما قرارداد کماکان پایدار ماند. واقعیت امر این است که سپهر اجتماعی و جغرافیای سیاسی کشورهای عراق و عربستان و سوریه و لبنان و فلسطین متأثر از همین قرارداد است.^۳

باری در این قرارداد امپریالیستی هنوز خبری از پاسگاه غرب در منطقه نیست. هنوز بدرستی دانسته نیست که بر سر مردم چادر نشین این منطقه "تابع حاکمیت بین المللی" چه خواهد رفت. هنوز صحبتی از تشکیل Error 404 به میان نیامده است. هنوز سر و کله نازی های شماره یک پیدا نشده است که از درون یک نسل کشی جنایتکارانه نازی های شماره دو را تولید مثل کنند. هنوز فاشیسمی (ناسیونال سوسیالیسم هیتلری) نیامده است که از درونش فاشیسم دیگری (صهیونیسم) رشد کند. در واقع سرزمین تابع حاکمیت بین المللی یعنی کشور فلسطین از سوی امپریالیست ها با همان عنوان مزخرف "بین المللی" در آب نمک خوابانده شده است تا به هنگام مقتضی و با قیمت مناسب به فروش رسد. دلایان و زمین خواران وطنی را دیده اید که در بیابانی دور افتاده از شهر زمینی بایر را به بهای مفت متری ده شاهی می دزدند و بعد ضمن تبانی با مقامات "محترم" شهرداری آن را داخل محدوده و مسکونی و تجاری آب بندی می کنند و به هزاران برابر قیمت می فروشند و بعد خودشان و توله هایشان مازراتی و پورشه می خرند و ابتداء در اندرزگو و فرمانیه تهران و سپس در تورنتو و پاریس کاخ می سازند؟ کاری که انگلیس ها و فرانسوی ها با سرزمین فلسطین

کردند عیناً به رویکرد همین دلالتان خبیث زمین خوار مانسته بود. روز نکهه سرفصل این زمین فروشی جنایتکارانه زامبی های غرب است.

به هر حال چنان که ملاحظه می کنید دو فرد پاچه ورمالیده از طرف دو دولت امپریالیست در آن سوی جهان خط کش به دست گرفتند و مرزهای محل زندگی ما را ترسیم کردند. از یک منظر می توان قرارداد پلشت فوق را تثبیت رسمی و وقیحانه کولونیالیسم دانست. از این برهه به بعد است که مبارزات ضدکولونیالیستی تحت عناوین مختلفی همچون "سوسیالیسم ملی" و "سوسیالیسم افریقائی" در خاورمیانه و افریقا شکل می گیرد و به موفقیت های قابل توجهی در الجزایر و عراق و سوریه و لیبیا و به ویژه مصر جمال عبدالناصر می انجامد...

این داستان را ادامه خواهیم داد...

۲ آذر - قوس - ۱۴۰۲ / ۲۳ نومبر

پی نوشت ها

۱. سه کتاب من درباره چگونگی رشد و نموی اسلام سیاسی عبارتند از: "ظهور و سقوط بنیادگرائی" / "قلیم را در دشت لیلی به خاک بسپار" / "فتح نامه کابل"
 ۲. "بررس" نام دولتی سانسورچی کنونی است.
 ۳. بیوید فر/مکین در کتاب "صلحی که همه صلحها را بر باد داد" به تفصیل از این توافق نامه سخن گفته است.
- بنگرید به:

Fromkin David (1989) A Peace to End all Peace (Creation of the Modern Middle East, 1914-1922), Henry Holt and Company. United States.